

چگونگی تأسیس و تشکیل دادگاه‌های نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو



ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی

رساله جامعه‌شناسی و حقوق

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و عضو انجمن ایرانی جرم‌شناسی

مقدمه

وقوع جرم مدافله دارند بمث و گفتگو می‌کند و این عنصر و عامل (بعد) فارمی ممکن است تابعیت شخص مرتکب جرم یا یکی از شرکای او یا شخص بزه دیده یا متضرر از جرم باشد و یا ممکن است سرزمینی باشد که جرم در آن جا صورت گرفته و یا نتیجه‌ی نهایی در آن جا حاصل شده است. به همین جهت عده‌ای اصطلاح «مقوق جزای بین‌الملل» به معنی افص» یا «مقوق جزای بین‌الملل خصوصی» را مناسب‌تر می‌دانند. اما آن قسمت از مقوق جزای بین‌الملل را که مربوط به مسئولیت دولت‌ها و یا به مفاطره انداختن صلح بین‌المللی و یا جنایات علیه انسانیت و بشریت است «مقوق بین‌الملل کیفری» یا «مقوق جزایم بین‌المللی»

مقوق جزای بین‌الملل مجموعه‌ای از قواعد بین‌المللی است که برایم بین‌المللی را منع نموده و دولت‌ها را ملزم به تعقیب و مجازات این جزایم یا مداخل کسانیکه نمونه‌های شنیع این جزایم را مرتکب می‌شوند، می‌نماید. هم‌چنین این رشته‌ی مقوقی، شیوه‌ی تعقیب و ماکمه‌ی این دسته از مجرمان را در ماکمه کیفری بین‌المللی تبیین می‌کند. البته عده‌ای بین «مقوق جزای بین‌الملل» و «مقوق بین‌الملل کیفری» قائل به تفاوت می‌باشند؛ به این ترتیب که معتقدند مقوق جزای بین‌الملل رشته‌ای از مقوق جزاست که در مورد جزایم مفل نظم دافلی در زمانی که یک یا چند عنصر و عامل (بعد) فارمی و برون مرزی در

یا «مقوق میزای بین الملل به معنی عام» می نامند.^(۲) البته اگر چه تفکیک فوق از سوی برخی از اساتید مقوق میزا و مقوق بین الملل مطرح شده است، اما عده ی زیادی از اساتید این دو رشته ی مقوقی نیز اعتقاد ی به این تقسیم بندی ندارند و اصطلاح مقوق میزای بین الملل را هم در مورد «مقوق میزای بین الملل فصوصی» و هم در مورد «مقوق بین الملل کیفری» قابل تسری می دانند.^(۳)

به هر حال صرف از نظر از بحث فوق باید گفت که تمول مقوق میزای بین الملل به تدریج و با کندی صورت گرفته است. در حالی که تا اواخر قرن نوزدهم تنها مجرایمی هم چون دزدی دریایی یا مجرایمی جنگی یا تجارت برده به عنوان مجرایمی بین المللی قابل مجازات دانسته می شدند. در پایان جنگ جهانی دوم مجرایمی علیه بشریت و مجرایمی علیه صلح و در سال ۱۹۴۸ میزایمی نسل کشی یا نسل زدایی و در سال های بعد نیز مجرایمی دیگری به این فهرست اضافه شدند. هم چنین علاوه بر تمول مجرایمی موهوبی این رشته، در مراجع رسیدگی کننده به این مجرایمی

نیز تمولات قابل توجهی طی سال های گذشته رخ داده است. در حالی که تا پایان جنگ جهانی دوم، مقوق بین الملل برای مجازات مجرمان بین المللی عمدتاً به مفاکم کیفری دافلی متکی بود، اما مجرمان جنگی آلمان، ژاپن و دول مهور در دادگاه های نورنبرگ و توکیو که از سوی متفقین پیروز تشکیل شده بود، به مفاکم کشیده شدند و در این مفاکات به مصونیت مسؤلان دولت ها و قعی نهاده نشد. پس از آن و با تشکیل دادگاه های کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، کام دیگری به پیش نهاده شد. این دادگاهها بر خلاف مفاکم نورنبرگ و توکیو، نه تنها مفاکم طرف های پیروز جنگ نبود، بلکه عمدتاً برای مفاکمی کسانی به مهور آمده بودند که دست برتر را در نزاع های مسلمانانه داشتند. نهایتاً ایجاد دیوان کیفری بین المللی (I.C.C.) که بر خلاف مفاکم قبلی، دادگاهی مهوری نبوده و از صلاحیت دائمی برخوردار است، نقطه ی عطفی در تمولات ایجاد شده در مقوق میزای بین الملل ممسوب می شود.^(۴)

چگونگی تشکیل دادگاه نظامی بین المللی نورنبرگ

در طول جنگ جهانی دوم اعمال جنایتکارانه ای هم چون تبعید توده های عظیم مردم، خشونت ها و شکنجه ها، نابودی افراد به دلایل غیر انسانی، پاکسازی های قومی و نژادی، قرار دادن میلیون ها نفر در اردوگاه های مخصوص و موارد دیگری از این قبیل خاطرات تلخی را در تاریخ به جای گذارد.^(۵) این اعمال جنایتکارانه موجب شد که حس عدالتجویی و انتقامجویی دول متفق برانگیخته شود و در صدد تعقیب و مجازات جنایتکاران آلمانی و متحدین آن بر آیند. به همین جهت در اثنای جنگ جهانی دوم، متفقین قصد خود را دایر بر تعقیب جنایتکاران جنگی در اعلامیه های مختلفی آشکار کردند. به علاوه در جریان کنفرانس دیپلماتیک منعقد در ۱۲ اکتبر ۱۹۴۳ در شهر

نمودند تا در آن به محاکمه ی جنایاتی که محدوده جغرافیایی خاصی ندارند، پرداخته شود.^(۶) این دادگاه به «دادگاه نورنبرگ» مشهور شد و فعالیت آن بر اساس «منشور محکمه نظامی بین المللی برای محاکمه جنایتکاران اصلی جنگی» صورت گرفت. این منشور پیوست توافق نامه لندن (مورخ ۸ اوت ۱۹۴۵) بود. این منشور و توافق نامه ابتدا به امضای چهار متفق اصلی یعنی فرانسه، انگلستان، امریکا و شوروی رسید و بعدها ۱۹ کشور دیگر نیز به آن پیوستند که عبارت بودند از اتریش، لوگزامبورگ، هلند، نیوزلند، نروژ، پاناما، پاراگوئه، لهستان، اوروگوئه، ونزوئلا، بلژیک، چکسلواکی، دانمارک، اتیوپی، یونان، هائیتی، هندوراس، هندوستان و یوگسلاوی.^(۷) در واقع باید گفت که دادگاه نورنبرگ یک دادگاه اشغالی برای آلمان بود که بعد از جنگ جهانی دوم به وسیله ی چهار قدرتی که آلمان بدون قید و شرط تسلیم آن ها شده بود، ایجاد شد. منظور از دادگاه اشغالی، دادگاهی بود که از سوی اشغالگران آلمان تشکیل شده بود.^(۸)

دادگاه نورنبرگ که مجرمان اصلی در جبهه اروپا را محاکمه می کرد، از هشت عضو تشکیل می شد؛ بدین توضیح که هر یک از چهار کشور امریکا، انگلستان، فرانسه و شوروی یک عضو اصلی و یک عضو علی البدل معرفی کرده بودند. کیفرخواست ها نیز توسط کمیته ای که از وکلای هر چهار کشور تشکیل می شد، صادر می گشت.^(۹) دادگاه نورنبرگ منشور خود را محصول اعمال قوه قانون گذاری حاکم به وسیله کشورهایی که رایش آلمان بدون قید و شرط تسلیم آن ها شده بود، دانست و تصریح کرد که حق غیر قابل تردید این کشورها در قانون گذاری برای سرزمینهای

■ ایجاد دیوان کیفری بین المللی (I.C.C.) که بر خلاف مفاکم قبلی، دادگاهی مهوری نبوده و از صلاحیت دائمی برخوردار است، نقطه ی عطفی در تمولات ایجاد شده در مقوق میزای بین الملل ممسوب می شود. ■



لندن «کمیسیون جنایات جنگی سازمان ملل متحد» تأسیس شد و تا پایان مارس ۱۹۴۸ به فعالیت خود ادامه داد. ریاست این کمیسیون بر عهده ی «سیسیل هرست» انگلیسی بود. وظیفه ی اصلی کمیسیون مذکور، انجام تحقیقات و جمع آوری مدارک راجع به مجرایمی جنگی و شناسایی مجرمان و شهود و ارائه ی گزارش به دولت ها بود. هم چنین قصد متفقین دایر بر تعقیب جنایتکاران جنگی اندکی پس از تسلیم بدون قید و شرط آلمان در ۸ می ۱۹۴۵ در توافق نامه ی پوستدام (Postdam) مورد اشاره قرار گرفت.^(۱۰) نهایتاً در ۸ اوت ۱۹۴۵ چهار کشور فاتح (امریکا، انگلیس، شوروی و دولت موقت فرانسه) با انعقاد توافق نامه ای، ایجاد یک دادگاه نظامی بین المللی کیفری را پیش بینی



داشتن وکیل اشاره کرد. مجازات‌های قابل اعمال در دادگاه نورنبرگ نیز اعدام یا هر مجازاتی که دادگاه عادلانه می‌دانست، بود و لذا هیچ محدودیتی برای دادگاه در اعمال مجازات پیش‌بینی نشده بود. هم چنین احکام دادگاه نورنبرگ غیر قابل تجدیدنظر بود.^(۱۳) از جمله قضات دادگاه مذکور پروفیسور «دون دیو دووایر» حقوق دانان نامدار فرانسوی بود. او در مورد انتقاداتی که از دادگاه نورنبرگ به عمل می‌آمد، بسیار نگران به نظر می‌رسید.^(۱۴)

نتیجه محاکمات دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ در مورد

اشخاص حقیقی

در اکتبر ۱۹۴۵ کمیته‌ای که از وکلای چهار کشور فاتح جنگ تشکیل شده بود، کیفرخواستی علیه ۲۴ افسر نظامی عالی رتبه صادر کرد. اولین جلسه‌ی دادگاه پس از یک ماه از صدور کیفرخواست در نوامبر ۱۹۴۵ برگزار شد و پس از ۲۱۶ روز فعالیت، آخرین جلسه در ۳۱ اوت ۱۹۴۵ تشکیل شد. طی ۴۰۳ جلسه‌ی علنی، شهادت ۳۳ شاهد از سوی تعقیب‌کنندگان و ۸۰ شاهد از سوی متهمان توسط دادگاه استماع گشت که ۱۹ نفر از شهود را خود متهمان تشکیل می‌دادند. در طول محاکمات دادگاه نورنبرگ یک نفر از متهمان خودکشی کرد و متهم دیگری نیز از لحاظ روانی برای محاکمه نامناسب اعلام شد. نهایتاً رأی دادگاه نورنبرگ در ۱ اکتبر ۱۹۴۶ صادر شد. بر اساس رأی دادگاه ۱۲ نفر از متهمین به اعدام، ۳ نفر به حبس ابد، ۲ نفر به ۲۰ سال حبس، ۱ نفر به ۱۵ سال حبس و ۱ نفر به ۱۰ سال حبس محکوم شدند. ۳ نفر از متهمین نیز تبرئه شدند.^(۱۵) یکی از ۱۲ نفر متهم محکوم به اعدام «مارتین بورمن» صدراعظم حزب نازی بود که غیابی محاکمه شده بود.^(۱۶) از میان ۱۸ متهمی که در دادگاه نورنبرگ به ارتکاب جنایت علیه بشریت متهم شده بودند، فقط ۲ نفر از این عنوان مجرمانه تبرئه شدند. همچنین از میان ۱۸ نفر فوق تنها ۲ نفر بودند که فقط به ارتکاب جنایت علیه بشریت متهم شده بودند؛ بی آن که به ارتکاب جنایت جنگی محکوم شوند. در واقع دو متهم اخیر (که Schirach و Streicher نام داشتند) فقط به جنایت علیه بشریت محکوم شدند.^(۱۷) یکی از این ۲ نفر به علت ارتکاب اعمالی بر ضد یهودیان و دین و نفوروم به علت تبلیغات علیه یهودیان محکوم شناخته شد.^(۱۸)

نتیجه محاکمات دادگاه نظامی بین‌المللی

نورنبرگ در مورد اشخاص حقوقی

قبل از تدوین منشور لندن و اساسنامه نورنبرگ، نظرات مختلفی در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ابراز گردید. این بحث‌ها و اختلاف نظرها از آن جانشینی می‌شود که از یک سو در آن زمان در اغلب نظام‌های کیفری داخلی این نوع مسئولیت پذیرفته نشده بود و لذا پذیرش آن در سطح بین‌المللی کمی عجیب و غیرطبیعی به نظر می‌رسید و از سویی دیگر، ضروریات و وضعیت امر اقتضا می‌کرد که چنین مسئولیتی به رسمیت شناخته شود. در نهایت نیز

■ ایراد وارد شده به دادگاه‌های نورنبرگ و توهین این بود که در این دادگاه‌ها «اصل امر آمر قانونی به عنوان علت موجهه‌ی جرم» پذیرفته نشده بود و این بر خلاف اصول حقوق کیفری می‌باشد. ■

اشغالی، به وسیله‌ی جهان متمدن به رسمیت شناخته شده است.^(۱۹)

صلاحیت دادگاه نورنبرگ به سه حوزه محدود می‌شد: ۱- جنایات علیه صلح، ۲- جنایات جنگی، ۳- جنایات علیه بشریت. در ماده (۶) اساسنامه (منشور) نورنبرگ در خصوص صلاحیت دادگاه به محاکمه و مجازات اشخاصی که به عنوان اشخاص خصوصی یا اعضای سازمان‌ها، به نفع دول محور (متحدین) عمل کرده‌اند تصریح شد و مسئولیت شخصی برای ارتکاب جنایات سه‌گانه (جنایات علیه صلح، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت) مورد تأکید قرار گرفت. البته صلاحیت دیوان فقط به مسئول شناختن اشخاص حقیقی محدود نمی‌شود؛ زیرا ماده (۹) اساسنامه مقرر می‌داشت دادگاه می‌تواند سازمان یا گروهی را که شخص جنایتکار عضو آن بوده، سازمان جنایتکار اعلام کند. داشتن سمت رسمی و نمایندگی یا ریاست حکومت نیز نه عامل رافع مسئولیت محسوب می‌شد و نه عامل تخفیف‌دهنده‌ی مجازات.

مأمورین زیردست نیز نمی‌توانستند با توسل به این که امر فرماندهان خود را اجرا کرده‌اند، از مجازات معاف گردند. لیکن دادگاه اگر تشخیص می‌داد که عدالت اقتضا می‌کند، می‌توانست در اعمال مجازات تخفیف قائل شود.^(۲۰) در مواد (۱۴) و (۱۵) اساسنامه نیز کمیته‌ی تحقیق و تعقیب جنایتکاران اصلی جنگ که مرکب از دادستان‌های انتصابی از سوی هر یک از امضاکنندگان بود، پیش‌بینی شد که در واقع نقش دادسرا را در نظام‌های داخلی ایفا می‌کرد. در مورد حقوق متهم می‌توان به حق استحضار از اتهام و دلایل موجود علیه متهم و هم چنین حق



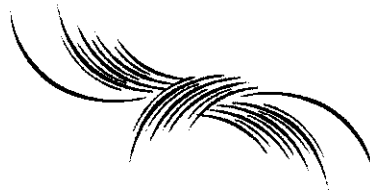
مصلحت اخیر بر تئوری پیشین غلبه یافت، ولی از آن جا که قضات دادگاه نورنبرگ پرورش یافته ی همان نظام های کیفری داخلی بودند، سعی کردند از اعلام صریح مسئولیت کیفری سازمان ها و اشخاص حقوقی اجتناب ورزند و حتی الامکان اعضای آن ها را مورد تعقیب و مجازات قرار دهند^(۳۹) طبق تعریف دادگاه نورنبرگ، یک سازمان مجرمانه شبیه یک توطئه مجرمانه است؛ به این صورت که ماهیت هر دو، همکاری در جهت تحقق اهداف مجرمانه می باشد. همچنین در یک سازمان مجرمانه باید گروهی وجود داشته باشد که افراد آن الزاماً برای نیل به یک هدف مشترک گرد هم آمده و سازمان یافته باشند.

از این استدلال این گونه نتیجه گیری می شود که افرادی که از اهداف و اعمال مجرمانه ی سازمان اطلاع نداشته باشند، باید مبرا از مسئولیت کیفری تلقی گردند.^(۴۰) باید دانست با توجه به این که دادگاه نظامی بین المللی نورنبرگ یک دادگاه ویژه برای رسیدگی به جنایت خاصی در بره ی زمانی معین و توسط جنایتکاران نسبتاً مشخصی بود و با عنایت به این که اشخاص حقوقی ذیربط معدود بودند، لذا این سازمان ها - که مورد اتهام بودند- احصا شدند تا دادگاه در مورد آن ها قضاوت کند. این اشخاص حقوقی یا سازمان های اداری آلمان عبارت بودند از:

- ۱- دولت آلمان (در مفهوم هیأت دولت)،
- ۲- حزب ناسیونال سوسیالیست،
- ۳- سازمان اس.اس (گروه های حمله یا نیروهای ویژه)،
- ۴- سازمان اس.دی (سرویس اطلاعات ویژه)،
- ۵- گشتاپو (پلیس امنیت کشور)،
- ۶- سازمان اس.ا. (نیروهای توفان یا نیروی های ضربتی)،
- ۷- سازمان ا.کا.او (ستاد کل فرماندهی ارتش آلمان).^(۴۱)

به هر حال علی رغم شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در منشور لندن، قضات دادگاه تمایل چندانی نداشتند که اشخاص حقوقی را مسئول کیفری دانسته و تحت مجازات قرار دهند. به همین دلیل دادگاه اظهار نظر کرد که اعلام یک سازمان به عنوان جنایتکار مبین این نیست که همه ی افراد آن سازمان جنایتکار هستند؛ بلکه کسانی که رأساً در ارتکاب اعمال خلاف حقوق شرکت داشته اند، متهم هستند.^(۴۲) در هر حال نتیجه کار دادگاه نورنبرگ آن بود که سازمان های ذیل را مجرم اعلام کرد:

- ۱- هیأت رئیسه ی حزب نازی،
- ۲- گشتاپو و سازمان اس.د،
- ۳- سازمان اس.اس،
- ۴- سازمان اس.ا.



■ در طول جنگ جهانی دوم اعمال جنایتکارانه ای هم چون تصید توده های عظیم مردم، فاشونت ها و شکنجه ها، نابودی افراد به دلایل غیرانسانی، پاکسازی های قومی و نژادی، قرار دادن میلیون ها نفر در اردوگاه های مفصوص و موارد دیگری از این قبیل فاطرات تلفی را در تاریخ به جای گذارد. ■

۵- هیأت حاکمه ی رایش،
۶- ستاد فرماندهی عالی نیروهای مسلح آلمان.^(۴۳)

اعلام مجرم بودن سازمان های فوق به این دلیل بود که بتوان با استناد به آن افراد عضو این سازمان ها را نیز به دلیل عضویت در سازمان های جنایتکار محاکمه و مجازات نمود. دادگاه نورنبرگ در اعلام مجرمانه بودن سازمان های پیش گفته، تصریح کرد تنها کسانی به مناسبت عضویت در این سازمان ها قابل مجازاتند که عالم به اهداف و فعالیت های آن ها بوده و خودخواسته عضو آن ها شده باشند.^(۴۴)

چگونگی تشکیل دادگاه نظامی بین المللی توکیو (خاور دور)

پس از تشکیل دادگاه نورنبرگ متفقین پیروز، در فضایی آرام اقدام به تأسیس دادگاه نظامی بین المللی برای خاور دور نمودند که به «دادگاه توکیو» معروف شد.^(۴۵) این دادگاه ناشی از منشور توکیو بود که پیوست اعلامیه «ژنرال مک آرتور» را تشکیل می داد و بر اساس منشور لندن تهیه شده بود.^(۴۶) در واقع دادگاه توکیو به وسیله فرماندهی عالی ایالات متحده امریکا در ژاپن (یعنی ژنرال مک آرتور) ایجاد شد. وی ۱۱ قاضی دادگاه را نیز منصوب کرد. این قضات از بین نامزدهای پیشنهادی از سوی دولت های امضاکننده ی شرایط تسلیم ژاپن (یعنی ایالات متحده ی امریکا، اتریش، کانادا، چین، فرانسه، انگلستان، هلند، نیوزلند و شوروی) به اضافه ی دو کشور هند و فیلیپین انتخاب شدند. دادگاه توکیو در اجرای منشور خود از استدلال دادگاه نورنبرگ که در ژانویه ۱۹۴۶ اعلام شده و در منشور نورنبرگ طراحی گشته بود، پیروی کرد.^(۴۷) آیین دادرسی دادگاه توکیو نیز بر مبنای منشور توکیو قرار داشت.^(۴۸) دادگاه توکیو هم چون دادگاه نورنبرگ فقط راجع به مجرمان اصلی جنگی بود. این دادگاه در ۳ می ۱۹۴۶ در توکیو آغاز به کار نموده و در ۴ نوامبر ۱۹۴۸ رأی خود را صادر کرد.^(۴۹)

نتیجه محاکمات دادگاه نظامی بین المللی توکیو (خاور دور) در ۲۹ آوریل ۱۹۴۶ کیفرخواستی علیه ۲۸ ژاپنی صادر شد که دارای ۵۵ فقره جرم بوده و در سه بخش تنظیم شده بود؛ بخش اول (فقرات ۱ الی ۳۶) در مورد جرایم علیه صلح، بخش دوم (فقرات ۳۷ الی ۵۲) بیرامون قتل عمد و بخش سوم (فقرات ۵۳ الی ۵۵) در خصوص سایر جرایم جنگی معاهداتی و جرایم علیه بشریت بود.^(۵۰) به این ترتیب باید گفت که مضمونین جنایات جنگی ژاپن به عنوان مضمونین درجه «الف»، «ب» و «ج» طبقه بندی شده بودند. دادگاه توکیو نیز فقط مضمونین «الف» (یعنی متهمان به جرایم علیه صلح) را تحت تعقیب قرار داد.^(۵۱) در میان ۲۸ متهم این دادگاه، چهار نخست وزیر (که یکی از آن ها «هیدکی توجو» بود)، چهار وزیر امور خارجه، پنج وزیر جنگ و تعدادی افراد دیگر وجود داشتند. البته بنا به دلایل سیاسی



هیچ کیفرخواستی علیه شخص امپراتور یعنی «هیروهیتو» (Hirohito) صادر نشد. در دادگاه توکیو شهادت ۴۱۹ شاهد استماع شد و ۷۷۹ شهادت‌نامه‌ی کتبی مورد رسیدگی قرار گرفت.

از میان ۲۸ متهم، ۷ نفر به اعدام، ۱۶ نفر به حبس ابد، ۱ نفر به ۲۰ سال حبس و ۱ نفر نیز به ۷ سال حبس محکوم شدند.^(۳۲) هم چنین ۲ نفر از متهمان در طول محاکمه مُردند و یک متهم دیگر نیز از نظر روانی برای محاکمه نامناسب اعلام شد. در دادگاه توکیو هیچ کس از متهمان برائت حاصل نکرد. قابل ذکر است که دادگاه توکیو، محاکمه‌ی مظنونین درجه «ب» و «ج» را به دادگاه‌های نظامی کشورهای مختلف واگذار کرد.^(۳۳)

جهت افتراق دادگاه‌های نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو
از نظر مؤلفان حقوق جزای بین‌الملل، دادگاه نورنبرگ با دادگاه توکیو دارای تفاوت‌هایی به شرح زیر می‌باشد:

۱- در دادگاه توکیو برخلاف دادگاه نورنبرگ، که در آن چهار وکیل تعقیب‌کننده از سوی چهار کشور متفق مشترکاً کار صدور کیفرخواست‌ها را انجام می‌دادند، صدور کیفرخواست‌ها از طریق یک وکیل منحصر به فرد به انتخاب ژنرال مک آرتور، ولی به نمایندگی از سوی ۱۱ کشور (یعنی استرالیا، کانادا، چین، فرانسه، انگلستان، هندوستان، هلند، نیوزلند، فیلیپین، شوروی و امریکا) انجام گرفت.^(۳۴)

۲- در مقایسه بین دادرسی و احکام دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو معمولاً رویه دادگاه نورنبرگ را بسیار عادلانه‌تر از دادگاه توکیو دانسته‌اند. البته هر دو دادگاه مسئولیت کیفری شخصی را پذیرفته و معافیت‌ها و دفاعیاتی مثل «اطاعت از اوامر مافوق» را رد کردند و هم چنین جنایت علیه بشریت را به رسمیت شناختند.^(۳۵)

۳- دادگاه توکیو در مقایسه با دادگاه نورنبرگ که قضاتش توسط چهار قدرت عمده‌ی جهانی (امریکا، انگلستان، فرانسه و شوروی) منصوب شده بودند، از وصف بین‌المللی بیشتری برخوردار بود؛ زیرا قضات آن متشکل از قضات ۱۱ کشور از جمله هند، چین و فیلیپین بود.^(۳۶)

۴- دادگاه نورنبرگ برای محاکمه‌ی جنایتکارانی غالباً آلمانی و در واقع مجرمان اصلی در جبهه‌ی اروپا تشکیل شد لیکن دادگاه توکیو به محاکمه‌ی جنایتکاران ژاپنی پرداخت.

۵- طول دادرسی دادگاه نورنبرگ حدود ۱ سال بود اما دادرسی دادگاه توکیو حدود ۲ سال به طول انجامید.^(۳۷)

۶- دادگاه نورنبرگ ۲۴ متهم داشت اما دادگاه توکیو دارای ۲۸ متهم بود.

۷- در دادگاه نورنبرگ ۳ متهم تبرئه شدند لیکن در دادگاه توکیو هیچ متهمی برائت حاصل نکرد.^(۳۸)

انتقادهای و ایرادهای وارده از سوی حقوق دانان در مورد

دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو

در دادگاه نورنبرگ و توکیو مجرمان بین‌المللی برای اولین بار به صورت جدی به پای میز محاکمه کشانده شدند و به مجازات‌های سنگینی نیز محکوم گشتند. بنابراین تشکیل این دو دادگاه نقطه‌ی عطفی در پی‌گیری جرایم بین‌المللی محسوب می‌شود. اما علی‌رغم تحولات عظیمی که تأسیس و آرای دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو در حقوق جزای بین‌الملل به وجود آوردند، به دلیل شدت عملی که در آن‌ها به کار گرفته شد و هم چنین به جهت این که این دو دادگاه اولین تجربه‌های اساسی در زمینه‌ی محاکمه‌ی جنایتکاران بین‌المللی بود، اساسنامه و آرای آن‌ها مصون از ایراد و انتقاد حقوق دانان و صاحب نظران باقی نماند. اولین ایرادی که به دادگاه نورنبرگ و توکیو وارد شد این بود که در این دو دادگاه «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» و به تبع آن «اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین و مقررات جزایی» رعایت نشده و متهمان به موجب مقرراتی محاکمه و مجازات می‌شوند که در زمان ارتکاب جرم وجود نداشته است.^(۳۹) در مورد «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» همواره این انتقاد مطرح بود که جنایت علیه بشریت و مسئولیت کیفری فردی برای جنایت علیه صلح، در زمان تشکیل دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، در حقوق بین‌الملل مفاهیمی پذیرفته شده نبودند.^(۴۰) در این مورد این پرسش مطرح بود که آیا جرایم علیه بشریت در منابع حقوق بین‌الملل که در ماده (۳۸) اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری ذکر شده بود (یعنی عرف، معاهدات و اصول کلی مورد قبول ملل متمدن) مورد اشاره قرار گرفته‌اند یا خیر و در صورت مثبت بودن پاسخ، محتوا و عناصر متشکله‌ی آنها و نیز مبانی مسئولیت کیفری و عوامل رافع مسئولیت در مورد آن‌ها کدامند؟ با توجه به این که مدرک واحدی راجع به این موارد وجود نداشت و سابقه‌ی قابل

ذکری هم مشاهده نمی‌شد، لذا طراحان منشور نورنبرگ و توکیو باید از مدارک و اسناد مختلف موجود، اصول حقوقی لازم را استخراج می‌کردند.^(۴۱)

به همین دلیل بود که «جاستیس پال» (Justice Pal) قاضی هندی دادگاه توکیو، همه‌ی متهمین را به این دلیل که مسئولیت کیفری فردی به موجب حقوق بین‌الملل وجود نداشت، تبرئه کرد.^(۴۲) هم چنین در مورد «اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری» این ایراد مطرح بود که منشور نورنبرگ و توکیو پس از ارتکاب جنایات بین‌المللی به تصویب رسیده‌اند و همین امر مغایر با «اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی» است.^(۴۳)

به انتقادات فوق پاسخ‌های متفاوتی داده شد. استدلال متفقین این بود که حدود دامنه‌ی اعمال

■ در مقایسه بین دادرسی و احکام دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو معمولاً رویه دادگاه نورنبرگ را بسیار عادلانه‌تر از دادگاه توکیو دانسته‌اند. البته هر دو دادگاه مسئولیت کیفری شخصی را پذیرفته و معافیت‌ها و دفاعیاتی مثل «اطاعت از اوامر مافوق» را رد کردند و هم چنین جنایت علیه بشریت را به رسمیت شناختند ■



خلاف حقوق و هم چنین جنایات این متهمان به قدری وسیع است که نمی توان پذیرفت حتی خود آن ها از عواقب احتمالی اعمالشان غافل بوده اند. واضعان منشور نورنبرگ و توکیو معتقد بودند که دو اصل یاد شده از قواعد اختصاصی حقوق داخلی و سیستم قانون نوشته (رومی - ژرمنی) بوده و لذا قابل تسری به حقوق بین الملل نیست. (۴۳) در واقع آن ها معتقد بودند که حقوق بین الملل مانند سیستم حقوقی «کامن لای آنگو - امریکن» انعکاسی از قضاوت های اخلاقی جامعه جهانی به دست می دهد. (۴۴) بنابراین گاهی اوقات، قاضی بین المللی می تواند مقدم بر قانون گذار - که همان دولت ها هستند - در مورد ضمانت اجرایی یک



■ ایراد و انتقاد دیگری که به دادگاه نورنبرگ و توکیو وارد می شود این بود که ترکیب این دو دادگاه ناعادلانه بوده و در واقع مغلوبین جنگ توسط غالبین ماکامه می شدند و لذا این دادگاه ها ویژگی بی طرف بودن را نداشتند. ■

قاعده ی حقوقی اتخاذ تصمیم نماید. (۴۵) پاسخ دیگری که به انتقادهای فوق داده شد این بود که یک عرف قدیمی و تثبیت شده در حقوق بین الملل وجود دارد که هیچ وقت مورد خدشه قرار نگرفته و آن این است که رئیس دولت یا حکومتی که کشورش اشغال شده و بزه دیده ی جرم قرار گرفته و جرم در سرزمین او اتفاق افتاده است، پس از پیروزی بر دشمن، او را به محاکمه کشانده است. هم چنین عرف مسلم دیگری نیز وجود دارد که بر اساس آن هر کدام از دولت های داخل در جنگ چه در زمان جنگ و چه بعد از آن، اختیار دارند دادگاه هایی اعم از نظامی و غیر نظامی برای رسیدگی به جرایمی که از طرف اتباع خود یا اتباع دشمن در رابطه با قوانین جنگ ارتکاب یافته، تشکیل دهند. در دادگاه نورنبرگ این دو عرف مورد تأیید قرار گرفت. (۴۶)

هم چنین دادگاه نورنبرگ برای رد ایراد و کلاهی مدافعی که اظهار می داشتند جنگ تجاوز کارانه طبق حقوق بین الملل، یک جرم بین المللی محسوب نمی گردد، به پیمان (میثاق) ۱۹۲۸ «بریان - کلوگ» که بین ۶۳ کشور منعقد شده بود، استناد نمود و مقرر داشت «کشورهایی که پیمان فوق را به امضا رسانده یا بدون قید و شرط به آن متعهد گردیده اند، استفاده از هر گونه راه حل خصمانه را به عنوان ابزار سیاسی در آینده محکوم کرده و به این طریق از آن چشم پوشی کرده اند.» (۴۷) دادگاه نورنبرگ در تکمیل استدلال خود به اسناد دیگری هم چون طرح عهدنامه ی کمک متقابل (۱۹۲۳)، پروتکل ژنو (۱۹۲۴)، بیانیه ۲۴ سپتامبر (۱۹۲۴) مجمع عمومی جامعه ملل و برخی اسناد دیگر استناد نمود. هم چنین دادگاه نورنبرگ در مورد جنایات جنگی، به کنوانسیون های لاهه استناد کرد. (۴۸)

ایراد و انتقاد دیگری که به دادگاه نورنبرگ و توکیو وارد می شد این بود که ترکیب این دو دادگاه ناعادلانه بوده و در واقع مغلوبین جنگ توسط غالبین محاکمه می شدند و لذا این دادگاه ها ویژگی بی طرف بودن را نداشتند. (۴۹) در واقع منتقدان معتقد بودند که دادگاه های فوق «اصل عدالت پیروز» را توسعه بخشیده اند. مطابق این «اصل» زاین حق نداشت که امریکا را در دادگاه توکیو به استفاده از بمب های اتمی در هیروشیما و ناگازاکی متهم نماید یا این

که دولت ژاپن نمی توانست در دادگاه مذکور شوری را به نقض قرارداد بی طرفی ۱۳ آوریل ۱۹۴۱ متهم کند. (۵۱)

در خصوص این ایراد پاسخ حقوقی محکمی ارائه نشد و تنها به این مطلب اکتفا شد که هر چند منشور لندن ابتدا توسط چهار دولت غالب تنظیم و امضاء شده است، لیکن متعاقباً ۱۹ دولت دیگر نیز به آن ملحق شده اند و جنبه ی همگانی و بین المللی پیدا کرده است. ولی این واقعیت که دادگاه مرکب از قضات انتصابی چهار کشور غالب بود، توجیه ناپذیر به نظر می رسد. (۵۲) البته دادگاه توکیو نسبت به دادگاه نورنبرگ از وصف بین المللی بیشتری برخوردار بود، لیکن به هر حال «اصل عدالت پیروز» در دادگاه توکیو نیز اجرا شد.

سومین ایراد وارد شده به دادگاه های نورنبرگ و توکیو این بود که در این دادگاه ها «اصل امر امر قانونی به عنوان علل موجهه ی جرم» پذیرفته نشده بود و این بر خلاف اصول حقوق کیفری می باشد. البته این ایراد چندان مهم و مستدل به نظر نمی رسد؛ زیرا امر امر قانونی مقید به قانونی بودن امر است و به همین دلیل گفته می شود «امر قانونی امر قانونی». لیکن امر غیر قانونی امر قانونی، جزء علل موجهه ی جرم نمی باشد. برخی از متهمان و منتقدان معتقد بودند که اوامر صادره در مورد جنایات ارتکابی، طبق حقوق داخلی کشور متبوع متهمان قانونی بوده است. لیکن با توجه به تئوری برتری حقوق بین الملل بر حقوق داخلی باید گفت که حقوق داخلی تا جایی قابل اجراست که مغایر با حقوق بین الملل نباشد و در صورت تعارض این دو حقوق، باید طبق حقوق بین الملل عمل شود. هم چنین با توجه به این که پیشوای آلمان (آدولف هیتلر) خود کشی کرده بود و به همین دلیل بیم آن می رفت که همه ی متهمان به استناد امر مافوق از جنایات انتسابی تبرئه شوند، لذا این عذر پذیرفته نشد. (۵۳) آخرین ایراد وارد شده به دادگاه نورنبرگ و توکیو این بود که دادگاه های مذکور بر خلاف «اصل برائت» یا «فرض برائت» عمل نموده و تقصیر افراد را در بیشتر موارد مفروض تلقی کرده بودند. بنابراین اصل بر این بود که متهمین مجرم هستند مگر این که خلاف آن ثابت می شد. پاسخی که به ایراد فوق داده می شود این است که رویه ی دادگاه نورنبرگ و توکیو در مورد مفروض دانستن تقصیر متهمان، منطقی و عقلایی است؛ زیرا وقتی که یک انسان متعارف و عاقل عضو سازمانی است، اصل بر این است که از اهداف آن سازمان اطلاع پیدا کرده و سپس عضو آن شده است. (۵۴)

نتیجه:

امروزه اصل مسئولیت کیفری اشخاص در صحنه ی بین المللی، یکی از اصول مسلم و محرز محسوب می شود.

اسناد بین المللی چند جانبه شامل معاهدات بین المللی چند جانبه، عرف بین المللی، آرای قضایی و نظریه حقوق دانان، همگی این اصل را پذیرفته و



مکرراً به آن تصریح نموده‌اند. رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و در رأس آن‌ها سازمان ملل متحد نیز بر این اصل صحه گذاشته است. لذا امروزه این اصل از پایه و مبنای محکمی برخوردار است و نمی‌توان آن را زیر سؤال برد.

اگر چه سنگ بنای شناخت رسمی مسئولیت کیفری بین‌المللی اشخاص حقیقی در جریات صلح و رسای پس از خاتمه‌ی جنگ جهانی اول در ۱۹۱۹ گذاشته شد، لیکن نقطه‌ی عطف شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص در صحنه‌ی بین‌المللی، تشکیل دادگاه‌های نظامی بین‌المللی پس از خاتمه جنگ جهانی دوم توسط دول پیروز (متفقین) و محاکمه و مجازات سران دول مغلوب (متحدین)، خصوصاً ایجاد اساسنامه و آرای دادگاه‌های نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو می‌باشد که تحولی بس شگرف در حقوق بین‌الملل می‌باشد. از زمان تشکیل دادگاه‌های مذکور، نه تنها اصل مسئولیت کیفری بین‌المللی اشخاص هیچ‌گاه زیر سؤال نرفته است بلکه مکرراً بر آن تأکید شده و فعالیت‌های چشمگیری نیز در این زمینه انجام شده است.^(۵۵)

ضرورت همکاری بین‌المللی برای مبارزه با بزهکاری تحت هر عنوانی، در سایه‌ی قراردادهای تفاهم‌نامه‌های رسمی امکان‌پذیر است و یقیناً به حالت رسمی و الزامی، بهتر می‌توان اهداف و غایت مراد این تلاش‌های بین‌المللی را تأمین نمود. به هر حال انعقاد قراردادهای تعاون قضایی با وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم توجه بیشتری به خود گرفت.

تأسیس «جامعه ملل» و «سازمان ملل متحد» نتیجه‌ی مستقیم این دو رخداد بزرگ قرن بیستم بود. در کنار این مسأله، تشکیل دادگاه‌های نظامی نیز که به محاکمه‌ی جنایتکاران جنگی در سطح بین‌المللی پرداخت، قابل ملاحظه است. دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو هر چند که حاکمیت سران دول متفق را در برداشت، اما به هر حال مشارکت قضایی چند کشور در قبال جنایات بین‌المللی دول محور (متحدین) محسوب می‌گردد و تشکیل این دو دادگاه و تأسیس برخی از سازمان‌های مرتبط دیگر، باعث رغبت کشورهای مختلف جهان در تدوین قراردادهای همکاری قضایی و تشریک مساعی در حفظ امنیت و نظم بین‌المللی گردید.^(۵۶)

بی‌نوشت‌ها:

- ۱- ولیدی، دکتر محمد صالح، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۸، ص ۱۰۲-۱۰۰.
- ۲- ضیائی بیگدلی، دکتر محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ بیستم، ۱۳۸۱، ص ۲۱۶.
- ۳- مهدوی ثابت، محمدعلی، جزوه درس حقوق جزای بین‌الملل، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۶-۸۵، ص ۱۹-۱۲.
- ۴- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، مقدمه کتاب «حقوق کیفری بین‌المللی»، تألیف کریانگساک کیتیچایساری، ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان، تهران، انتشارات دانشور، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۵.
- ۵- مهدوی ثابت، محمدعلی، همان، ص ۲۵.
- ۶- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، حقوق جزای بین‌الملل «مجموعه مقالات»، تهران، نشر میران، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۳۷-۳۶.
- ۷- سلیمی، صادق، پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات خیام، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۲۸.
- ۸- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۳۷.
- ۹- کیتیچایساری، کریانگساک، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان، ص ۳۷.
- ۱۰- میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۲۸.
- ۱۱- کیتیچایساری، کریانگساک، همان، ص ۳۷.
- ۱۲- سلیمی، صادق، همان منبع، ص ۳۸.
- ۱۳- همان منبع، ص ۳۹-۳۸.
- ۱۴- کیتیچایساری، کریانگساک، همان، ص ۴۰.
- ۱۵- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۲۸.
- ۱۶- کیتیچایساری، کریانگساک، همان، ص ۳۸.
- ۱۷- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۳۸.
- ۱۸- مهدوی ثابت، محمدعلی، همان، ص ۲۹.
- ۱۹- سلیمی، صادق، همان، ص ۲۰۸.
- ۲۰- همان، ص ۲۰۹.
- ۲۱- همان، ص ۲۰۹.
- ۲۲- همان، منبع، ص ۲۰۹.
- ۲۳- همان، ص ۲۱۰.
- ۲۴- همان، ص ۲۱۱-۲۱۰.
- ۲۵- شبث، ویلیام، مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه دکتر سید باقر میرعباسی و حمید الهویی نظری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۹.
- ۲۶- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۲۸.
- ۲۷- کیتیچایساری، کریانگساک، همان، ص ۳۹.
- ۲۸- سلیمی، صادق، همان، ص ۴۳.
- ۲۹- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۳۹.
- ۳۰- همان، ص ۳۹-۳۸.
- ۳۱- کیتیچایساری، کریانگساک، همان، ص ۳۹.
- ۳۲- میرمحمد صادقی، حسین حسین، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۳۸.
- ۳۳- کیتیچایساری، کریانگساک، همان، ص ۳۹.
- ۳۴- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۳۸.
- ۳۵- همان، ص ۳۹.
- ۳۶- شبث، ویلیام، همان، ص ۱۹.
- ۳۷- همان، ص ۱۸.
- ۳۸- سلیمی، صادق، همان، ص ۴۳.
- ۳۹- همان، ص ۳۹.
- ۴۰- کیتیچایساری، کریانگساک، همان، ص ۴۰.
- ۴۱- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۳۷.
- ۴۲- کیتیچایساری، کریانگساک، همان، ص ۴۰.
- ۴۳- شبث، ویلیام، همان، ص ۱۸.
- ۴۴- سلیمی، صادق، همان، ص ۴۰.
- ۴۵- کیتیچایساری، کریانگساک، همان، ص ۴۰.
- ۴۶- سلیمی، صادق، همان، ص ۴۰.
- ۴۷- همان، ص ۴۰.
- ۴۸- همان، ص ۴۰.
- ۴۹- همان، ص ۴۱.
- ۵۰- همان، ص ۴۱.
- ۵۱- کیتیچایساری، کریانگساک، همان، ص ۴۰.
- ۵۲- سلیمی، صادق، همان، ص ۴۲-۴۱.
- ۵۳- همان، ص ۴۲-۴۱.
- ۵۴- همان، ص ۴۲-۴۱.
- ۵۵- سلیمی، صادق، همان، ص ۳۲.
- ۵۶- موسوی، عباس، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران، انتشارات خیام، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۳۳۱.